

نقش شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت به طرد در پیش‌بینی تکانشوری دانش‌آموزان

سجاد بشرپور^۱، جواد درودی^۲ و فاضله حیدری^۳

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت به طرد در پیش‌بینی تکانشوری در دانش‌آموزان دبیرستانی بود. روش پژوهش از نوع همبستگی بود و نمونه پژوهش شامل ۱۵۴ دانش‌آموز دبیرستانی بود که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ در دبیرستان‌های شهرستان کامیاران مشغول به تحصیل بودند و به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده، حساسیت به طرد و تکانشوری استفاده شد و داده‌های گردآوری شده با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که تکانشوری با سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه و همچنین با حساسیت به طرد رابطه مثبت اما با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی داشت. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که سبک‌های فرزندپروری والدین می‌تواند تکانشوری فرزندان را پیش‌بینی کند ($p < 0/001$). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که تکانشوری با سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه و مؤلفه‌های حساسیت به طرد رابطه مثبت ولی با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی دارد.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، حساسیت به طرد، تکانشوری، نوجوانان.

۱. استاد گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

javaddrodi89@gmail.com

۲. نویسنده رابط: کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه محقق اردبیلی

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

مقدمه

تکانشوری^۱ به‌طور کلی به صورت فقدان توانایی در به تأخیر انداختن کامرواسازی تعریف شده است و به عنوان یک عامل اساسی در بسیاری از اختلالات روانی مانند اختلال شخصیت مرزی، اختلال بیش‌فعالی کم‌توجهی، قماربازی بیمارگون و رفتارهای پرخاشگرانه و خودجرحی در نظر گرفته شده است (سایدر و اسمیت^۲، ۲۰۰۸؛ نیمانی، ۱۳۹۱). در میان محققان درباره تعریف واحدی از تکانشوری اتفاق نظری وجود ندارد (وین استانلی، ایگل و رابینز^۳، ۲۰۰۶)، اما در این واقعیت که تکانشوری یک سازه چندبعدی است توافق کلی وجود دارد که پیامد چنین دیدگاهی انجام پژوهش‌های زیادی بر روی تکانشوری است (ملانکو، کولین، فیلدزو رینولدز^۴، ۲۰۰۹). مطالعه مربوط به مؤلفه‌های تکانشوری دو مؤلفه اصلی را آشکار می‌کند: ۱- تمایل به رسیدن به پاداش فوری بدون تفکر یا در نظرگرفتن تأثیرات بلندمدت، ۲- انگیزه قوی یا اشتیاق شدید به عمل (بشرپور، ۱۳۹۴). فرانکن، استرین، نیجس و موری^۵ (۲۰۰۸) سه فاکتور مشابهی را به عنوان عناصر تکانشوری معرفی کردند که عبارتند از: تکانشوری حرکتی، تکانشوری شناختی و تکانشوری بدون برنامه‌ریزی که با آینده‌نگری پایین مشخص می‌شود.

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی موجود در جامعه است که سلامت افراد جامعه کاملاً به آن وابسته است (نوابخش و فتحی، ۱۳۹۱). نقش ارتباط‌ها درون خانواده خصوصاً ارتباط والدین-کودکان در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای فرزندان بسیار مهم است. اکثر روان‌شناسان همیشه به اهمیت روابط بین والدین و فرزندان معتقد بوده و شیوه‌های فرزندپروری را اساس رشد روانی-اجتماعی-عاطفی دانسته‌اند. برای شیوه‌های فرزندپروری^۶ تعاریف گوناگونی وجود دارد که از میان این تعاریف، تعریف دیانا بامریند از همه معروف‌تر است که معتقد است شیوه‌های

1. impulsivity
2. Cyder & Smith
3. Winstanley, Eagle & Robbins
4. Melanko, Collin, Fields & Reynolds
5. Franken, Strien, Nijs & Muris
6. parenting style

فرزندپروری رفتارهای متنوع و بهنجاری است که والدین برای کنترل کردن و اجتماعی کردن فرزندان خود به کار می‌برند (زندن^۱، ۲۰۰۴؛ ترجمه گنجی، ۱۳۹۳). ایشان شیوه‌های ارتباط والدین با فرزندان و دخالت والدین در تربیت فرزندان را به سه سبک مقتدرانه، استبدادی و سهل‌گیرانه تقسیم می‌کنند. والدین مقتدر فعالیت‌های فرزند خود را هدایت می‌کنند، اما در عین حال آزادی‌ها و محدودیت‌های منطقی را برای او در نظر می‌گیرند. والدین مستبد، براساس ارزش‌ها و معیارهای سنتی خود فرزندان را تربیت کنند، از آن‌ها انتظارات زیادی دارند و همیشه بر اطاعت کردن دستورات خود تأکید می‌کنند و والدین سهل‌گیر، یک محیط غیراجباری برای فرزندان خود ایجاد کنند که فرزندان، خودشان رفتار خود را کنترل کنند (زندن، ۲۰۰۴، ترجمه گنجی، ۱۳۹۳). در پژوهش برگ، ساندل، اوهاگن و هاکنسن^۲ (۲۰۱۶) به طور کلی شیوه‌های فرزندپروری با مصرف مواد مرتبط نبودند، اما با وجود دوستان منحرف، رفتار بزهکارانه، در دسترس بودن الکل به واسطه والدین، بیشتر مرتبط بود. مویلنن، راسموسن و پالادیا-واکر^۳ (۲۰۱۵) با تجزیه و تحلیل در طول زمان، وجود رابطه دوجانبه بین سبک‌های فرزندپروری و خودتنظیمی را نشان دادند. مقصودی، درویشی و امیرآبادی (۱۳۹۴) نشان دادند که شیوه‌های فرزند پروری والدین می‌تواند رفتارهای ضد اجتماعی، پرخاشگری و تجاوزکارانه فرزندان را پیش‌بینی کند. باربارو، رویز هرناندز، لوراستبان و وشگلر^۴ (۲۰۱۶) نشان دادند که ارتباط معناداری بین رفتار بیرونی کردن با تکانشوری و سبک‌های متناقض والدین وجود دارد.

حساسیت به طرد^۵ از متغیرهای دیگری است که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. انسان موجودی اجتماعی است که همواره دوست دارد در کنار دیگران زندگی کند. این نیاز به وابسته بودن و تعلق باعث می‌شود که افراد نسبت به طردشدن از سوی دیگران حساس باشند و

1. Zanden
2. Berge, Sundel, Öjehagen & Håkansson
3. Moilanen, Rasmussen & Padilla-walker
4. Barbero, Ruiz-Hernández, Llor-Esteban & Waschgler
5. rejection sensitivity

واکنش نشان دهند و اگر این حساسیت به طرد طولانی مدت باشد مشکل‌زا می‌شود (فینی^۱، ۲۰۰۵). براساس نظریه دل‌بستگی هنگامی که والدین به نیازهای ابراز شده فرزندان با طرد شدن پاسخ می‌دهند کودکان به حساسیت به طرد دچار می‌شوند و در آینده انتظار خواهند داشت که به جای پذیرش از سوی افراد مهم و برآورده شدن نیازهایشان، از سوی آن‌ها طرد شوند. افرادی که دارای حساسیت به طرد بالا هستند در روابط خود با دیگران همواره انتظار پاسخ مثبت را دارند و نسبت به طرد دارای اضطراب بالا نیز است و در صورت مواجهه با طرد شدن به شدت به آن واکنش نشان می‌دهند (میشل^۲، ۲۰۰۸؛ ارزوکان^۳، ۲۰۰۹). داوینی، بونیکا و رینکون حساسیت به طرد افراد را ناشی از نقص سیستم پردازش شناختی - عاطفی می‌دانند که در واقع طرد از سوی والدین، دوستان، معلمان و افراد جامعه را عامل آن می‌دانند (ویکز^۴، ۲۰۱۱). در روابط بین‌فردی ادراک طرد انسان را به سوی رفتارهای تجاوزکارانه، پرخاشگرانه و ضداجتماعی سوق می‌دهد (زیمر، جمبک، پرانک، گودوین، مسترو و کریک^۵، ۲۰۱۳). برنسون، گرگوری، گلاسر، رومیروسکی، یانگ، رافاییلی^۶ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که مرزی‌ها تکانشوری بیشتری نسبت به افراد سالم و اجتنابی‌ها داشتند و واکنش به استرسورها با حساسیت به طرد مرتبط بود و این ارتباط در واکنش به استرسورهای درون‌فردی نسبت به غیر از آن، برجسته‌تر بود.

باتوجه به اینکه تکانشوری هسته بسیاری از اختلالات روانی است، بررسی نقش عوامل اثرگذار بر آن اهمیت دارد. با بررسی پیشینه پژوهشی، مشاهده شد که شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌تواند رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگری فرزندان را پیش‌بینی کند، همچنین بیشترین مشکلات رفتاری نوجوانان مربوط به شیوه تربیتی سهل‌گیرانه و مستبدانه و کمترین آن مربوط به شیوه اقتدارگرا بود. در روابط بین‌فردی نیز مشاهده ادراک طرد انسان را به سوی رفتارهای

-
1. Feeney
 2. Mischel
 3. Erozkkan
 4. Weeks
 5. Zimmer, Gembeck, Pronk, Goodwin, Mastro & Crick
 6. Berenson, Gregory, Glaser, Romirowsky, Yang, Rafaeli

پرخاشگرانه و ضداجتماعی سوق می‌دهد. به همین دلیل در پژوهش حاضر نقش شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت به طرد در پیش‌بینی تکانشوری بررسی می‌شود.

روش

با توجه به اینکه این پژوهش به دنبال رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت به طرد در پیش‌بینی تکانشوری در دانش‌آموزان است، روش پژوهشی توصیفی و از نوع همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دوره دبیرستان که در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ در شهرستان کامیاران مشغول به تحصیل بودند. نمونه مورد مطالعه در این تحقیق ۱۵۴ نفر از دانش‌آموزان پسر دوره دبیرستان، شامل ۳۶ نفر سال اول، ۴۹ نفر سال دوم، ۳۳ نفر سال سوم و ۳۶ نفر سال چهارم بودند که به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. سن این دانش‌آموزان بین ۱۵ تا ۱۸ سال بود و میانگین سنی آنها ۱۶ سال و ۸ ماه بود. جهت گردآوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شد:

مقیاس شیوه‌های فرزند پروری^۱: مقیاس شیوه‌های فرزند پروری ادراک شده بامریند (۱۹۶۷) شامل ۳۰ سوال است که روی مقیاس ۵ درجه‌ای به صورت «کاملاً مخالفم» (۱)، «مخالفم» (۲)، «نظری ندارم» (۳)، «موافقم» (۴)، «کاملاً موافقم» (۵) است که خوانندگان باید به آن جواب دهند. در این مقیاس هر سبک دارای ۱۰ سوال است و حداکثر نمره هر سبک ۵۰ نمره است. از جمع نمره سوالات مربوط به هر شیوه سه نمره مجزا به دست می‌آید که ارتباط این نمرات با نمرات تکانشوری نوجوانان بررسی می‌شود. بوری (۱۹۹۱) پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل‌گیرانه، ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۸ برای شیوه مقتدرانه گزارش نمود. در ایران اسفندیاری و بینم (۱۳۷۹)

1. Parenting style questionnaire

پایایی این پرسشنامه را برای روش مقتدرانه ۰/۷۳، برای استبدادی ۰/۷۷ و برای روش سهل‌گیرانه ۰/۶۹ گزارش کرده است.

مقیاس حساسیت به طرد^۱: برای سنجش حساسیت به طرد از مقیاس حساسیت به طرد داوونی و فلدمن (۱۹۹۶) که شامل ۱۸ سوال دو قسمتی است استفاده شد. قسمت اول این سوالات میزان اضطراب افراد و قسمت دوم میزان دریافت پاسخ مثبت را می‌سنجد. قسمت اول این سوالات بر روی مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از «اصلاً نگران نیستم» (۱) تا «خیلی نگرانم» (۶) نیز است. دامنه نمرات این آزمون از ۱۸ تا ۱۰۸ است که نمرات بیشتر نشان‌دهنده میزان اضطراب بیشتر و نمره کمتر نشان‌دهنده میزان اضطراب پایین‌تر است. قسمت دوم این سوالات میزان دریافت پاسخ مثبت را می‌سنجد که بر روی مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از «احتمال خیلی کمی دارد (۱)» تا «احتمال خیلی زیادی دارد (۶)» می‌باشد. دامنه نمرات آن از ۱۸ تا ۱۰۸ است که نمرات بیشتر در این سوالات به منزله دریافت پاسخ مثبت بیشتر و نمرات کمتر در این سوالات به منزله دریافت پاسخ مثبت کمتر نیز است. طبق تحقیقات داوونی و فلدمن (۱۹۹۶) ثبات درونی آزمون ۰/۸۱ آلفا برآورد شده است و همچنین ضریب پایایی این آزمون در حد ۰/۸۳ است. خوشکام، بهرامی، رحمت‌اللهی و نجارپوریان (۱۳۹۳) ضریب پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ را ۰/۸۳ گزارش کردند.

مقیاس تکانشوری^۲: برای سنجش تکانشوری از مقیاس تکانشوری بارات (۱۹۹۴) استفاده شد. این مقیاس شامل ۲۶ سوال بر روی مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای «هرگز (۱)»، «به ندرت (۲)»، «گاهی (۳)» و «همیشه (۴)» است که دامنه نمرات این آزمون از ۲۶ تا ۱۰۴ است. نمرات بیشتر نشان‌دهنده تکانشوری بالاتر است. این مقیاس شامل سه فاکتور تکانشوری حرکتی، تکانشوری بی‌توجهی و تکانشوری بدون برنامه‌ریزی است. مطالعات متعددی روایی و پایایی این پرسشنامه را قابل قبول

-
1. Rejection sensitivity scale
 2. Impulsiveness Scale

گزارش کرده‌اند (استنفورد و بارات، ۲۰۰۹). پورکرد (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی باز آزمایشی این پرسشنامه را ۰/۸۷ و ۰/۷۹ گزارش کرد.

روند اجرای این پژوهش بدین گونه بود که طی نامه‌ای از طرف دانشگاه محقق اردبیلی به آموزش و پرورش شهرستان کامیاران مراجعه و پس از اخذ مجوز برای اجرای این تحقیق، در شهر کامیاران که شامل ۴ دبیرستان دخترانه و ۶ دبیرستان پسرانه بود یک دبیرستان پسرانه انتخاب و از این دبیرستان که شامل ۱۴ کلاس بود ۶ کلاس از پایه‌های مختلف به صورت تصادفی چند مرحله‌ای برای پاسخ دادن به پرسشنامه‌ها انتخاب شدند. بعد از مراجعه به آن‌ها در سخن کلاس و تبیین اهداف پژوهش، کسب رضایت شفاهی تک تک دانش آموزان پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد در حضور پژوهشگر به آن‌ها پاسخ دهند. داده‌های به دست آمده با استفاده از آزمون‌های همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود تجزیه و تحلیل شد.

نتایج

میانگین سنی دانش آموزان ۱۶ سال و ۸ ماه بود. ۲۳ درصد دانش آموزان در سال اول دبیرستان، ۳۲ درصد در سال دوم دبیرستان، ۲۲ درصد در سال سوم دبیرستان و ۲۳ درصد در سال چهارم دبیرستان مشغول به تحصیل بودند. ۳۵ درصد آزمودنی‌ها وضعیت اقتصادی پایین، ۶۱/۴ درصد وضعیت اقتصادی متوسط و ۳/۶ درصد وضعیت اقتصادی بالا مرفه گزارش کرده‌اند.

نقش شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت به طرد در پیش‌بینی تکانشوری دانش‌آموزان

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی نمرات آزمودنی‌ها در هر یک از متغیرها

متغیرها	M (±SD)	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱. سبک مقتدرانه	۲۹/۱۶ (±۵/۴۷)										
۲. سبک سهل‌گیرانه	۲۷/۷۶ (±۶/۷۸)	-۰/۲۷*									
۳. سبک استبدادی	۲۹/۴۵ (±۶/۵۱)	۰/۳۵*	-۰/۱۵								
۴. میزان اضطراب	۶۰/۷۷ (±۱۵/۲۷)	-۰/۳۷*	۰/۴۳*	۰/۳۱*							
۵. میزان دریافت پاسخ مثبت	۶۹/۶۲ (±۱۴/۵۱)	-۰/۴۱*	۰/۰۶	۰/۱۶	۰/۰۷						
۶. حساسیت به طرد	۱۳۰/۵۵ (±۲۱/۶۵)	۰/۳۵*	-۰/۰۰۴	۰/۳۲*	۰/۷۴*	۰/۷۱*					
۷. تکانشوری حرکتی	۲۳/۸۰ (±۶/۰۵)	-۰/۳۷*	۰/۳۳*	۰/۴۴*	۰/۳۰*	۰/۰۵	۰/۲۵**				
۸. تکانشوری بی‌توجهی	۱۷/۲۷ (±۴/۶۵)	-۰/۳۳*	۰/۲۹*	۰/۳۷*	۰/۲۹*	۰/۱۱	۰/۷۹*				
۹. تکانشوری بدون برنامه‌ریزی	۲۲/۹۶ (±۵/۵۷)	-۰/۳۲*	۰/۳۱*	۰/۴۳*	۰/۳۰*	۰/۰۷*	۰/۲۷*	۰/۸۵*	۰/۸۲*		
۱۰. تکانشوری	۶۴/۰۳ (±۱۵/۴۰)	-۰/۳۵*	۰/۳۲*	۰/۴۱*	۰/۳۱*	۰/۰۸	۰/۲۸*	۰/۹۴*	۰/۹۱*	۰/۹۵*	

*معناداری در سطح ۰/۰۱ **معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول ۱ نشان می‌دهد که تکانشوری با فرزندپروری مقتدرانه همبستگی منفی، اما با فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و اضطراب به طور مثبت همبسته است ($p < ۰/۰۰۱$). تکانشوری حرکتی با فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه، اضطراب و دریافت پاسخ مثبت همبستگی مثبت، با فرزندپروری مقتدرانه همبستگی منفی دارد ($p < ۰/۰۰۱$). تکانشوری بی‌توجهی با فرزندپروری

سهل‌گیرانه، مستبدانه، اضطراب و دریافت پاسخ مثبت همبستگی مثبت با فرزندپروری مقتدرانه همبستگی منفی و تکانشوری بدون برنامه‌ریزی با فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و اضطراب همبستگی مثبت، با فرزندپروری مقتدرانه همبستگی منفی دارد ($p < 0/001$).

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون تکانشوری با سبک‌های فرزند پروری

متغیر ملاک	متغیرهای پیش	R	R ²	F	Sig	B	SE B	β	t	p	آماره‌های هم
	بین	تعدیل	شده								خطی
											VIF تحمل
تکانشوری		۰/۳۸	۰/۶۲	۵۷/۵۴	۰/۰۰۱						
سبک مقتدرانه						-۱/۳۴	۰/۱۷	-۰/۴۷	-۷/۵۶	۰/۰۰۱	۱/۶۸
سبک مستبدانه						۱/۰۷	۰/۱۸	۰/۴۵	۵/۹۳	۰/۰۰۱	۱/۵۹
سبک سهل						۰/۳۱	۰/۱۷	۰/۱۳	۱/۷۵	۰/۰۸۲	۱/۰۸
گیرانه											

جدول ۲ نشان می‌دهد حدود ۳۸ درصد از کل واریانس تکانشوری را سبک‌های فرزندپروری پیش‌بینی می‌کنند. نسبت F نشان می‌دهد که رگرسیون تکانشوری بر سه سبک فرزندپروری معنادار است؛ یعنی رابطه بین تکانشوری و ترکیب خطی مبتنی بر کم‌ترین معذورات از سه سبک فرزندپروری احتمالاً نمی‌تواند تصادفی پیش آمده باشد. نتایج ضرایب رگرسیون نیز نشان می‌دهد که از سبک‌های فرزندپروری حاصل از سبک مقتدرانه ($t = -7/56$) در سطح $p < 0/001$ و سبک مستبدانه ($t = 5/93$) در سطح $p < 0/001$ معنادار است و می‌تواند به صورت معناداری تکانشوری را پیش‌بینی کنند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون تکانشوری با مؤلفه‌های حساسیت به طرد

متغیر	متغیرهای پیش	R	R ²	R	F	Sig	B	SEB	β	t	p	آماره‌های هم
ملاک	بین	تعدیل	شده									خطی
												VIF تحمل
			۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۰۸	۵/۷۶	۰/۰۰۴					
	میزان اضطراب								۰/۳۱	۳/۲۸	۰/۰۰۱	۰/۹۹
	تکانشوری								۰/۰۹۷	۰/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۹۹
	دریافت پاسخ								۰/۱۰	۰/۶۰	۰/۵۴۴	۰/۹۹
	مثبت								۰/۰۶	۰/۱۰	۰/۵۴۴	۰/۹۹

جدول ۳ نشان می‌دهد که در حدود ۱۰ درصد از کل واریانس تکانشوری را مؤلفه‌های حساسیت به طرد پیش‌بینی می‌کنند. نسبت F نشان می‌دهد که رگرسیون تکانشوری بر مؤلفه‌های حساسیت به طرد معنادار است؛ یعنی رابطه بین تکانشوری و ترکیب خطی مبتنی بر کم‌ترین مجذورات از مؤلفه‌های حساسیت به طرد احتمالاً نمی‌تواند تصادفی پیش آمده باشد. نتایج ضرایب رگرسیون نیز نشان می‌دهد که از مؤلفه‌های حساسیت به طرد تنها t حاصل از مؤلفه میزان اضطراب ($t = 3/28$) در سطح $p < 0/001$ معنادار است و می‌تواند تکانشوری را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از تحقیق حاضر بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت به طرد با تکانشوری در دانش‌آموزان بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با تکانشوری و مؤلفه‌های این متغیر همبستگی منفی ولی سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه با تکانشوری همبستگی مثبت دارد؛ نتایج به‌دست آمده با نتایج حاصل از تحقیقات لاییت (۱۹۹۳) که نشان داد والدینی که از سبک بی‌مسئولیت - سواستفاده‌گر یا سبک انتقام‌جویانه و اجباری استفاده می‌کنند میزان تکانشوری فرزندان بیشتر است و نتایج به‌دست آمده از تحقیق اشتراوس و مرادیان (۱۹۹۸) مبنی بر ارتباط مثبت بین تنبیه بدنی و تکانشوری همسو است. همچنین نتایج این تحقیق با تحقیقات شگری، یوسفی، صفایی راد، اکبری و موسوی (۱۳۹۴) که بیان کردند شیوه‌های

فرزندپروری مقتدرانه رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد و شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه رفتارهای پرخطر در نوجوانان را افزایش می‌دهد و تحقیق باربارو و همکاران (۲۰۱۶) که نشان دادند ارتباط معناداری بین رفتار بیرونی کردن باتکانشوری و سبک‌های متناقض والدین وجود دارد نیز همسو است، اما با نتایج حاصل از تحقیق مقصودی و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و میزان رفتارهای پرخطر رابطه‌ای وجود ندارد و همچنین با نتایج حاصل از تحقیقات آهنگرانزایی، شریفی درآمدی و فرج زاده (۱۳۹۰) مبنی بر این که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و رفتارهای پرخطر، خشونت، پرخاشگری و عصبانیت رابطه وجود ندارد نیز ناهمسو است. همچنین نتایج این تحقیق با تحقیقات آرگیس و رس (۲۰۰۶) و تحقیقات مقصودی و همکاران (۱۳۹۴) که نشان دادند شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه میزان پرخاشگری، خشونت، رفتارهای پرخطر و تکانه‌ای فرزندان را کاهش می‌دهد و همچنین که چنین نتیجه‌ایی را به‌دست آوردند نیز همسو است. در تفسیر این یافته‌ها می‌توان گفت والدینی که آزادی‌هایی را همراه با محدودیت‌های منطقی برای فرزندان خود به‌وجود می‌آورند و سبک اقتدارگونه در تربیت فرزندان خود به کار می‌برند میزان تکانشوری در میان فرزندانشان کمتر بوده و فرزندان آن‌ها در هنگام عمل کردن یا انجام تکالیف، برنامه‌ریزی کردن برای آینده و تصمیم‌گرفتن کمتر به صورت تکانه‌ایی عمل می‌کنند و قبل از انجام عمل تفکر می‌کنند؛ اما والدینی که در تربیت فرزندان خود سبک‌های سهل‌گیرانه به کار می‌برند؛ یعنی انتظارات زیادی از فرزندان خود ندارند، همیشه آن‌ها را آزاد می‌گذارند و محدودیتی برای آن‌ها ایجاد نمی‌کنند، معمولاً فرزندان آن‌ها بیشتر به صورت تکانه‌ایی عمل می‌کنند. همچنین والدینی که سبک مستبدانه در تربیت فرزندانشان به کار می‌برند و بیش از حد برای آن‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند و ارزش‌های خود را به صورت سخت‌گیرانه بر آن‌ها تحمیل می‌کنند فرزندانشان بیشتر به صورت تکانه‌ایی عمل می‌کنند، در هنگام تصمیم‌گیری کمتر به تجزیه و تحلیل مسایل می‌پردازند، برای آینده کمتر برنامه‌ریزی می‌کنند و معمولاً تکانشوری بالاتری دارند.

نتایج نشان داد که رابطه مثبتی بین حساسیت به طرد در نوجوانان و تکانشوری وجود دارد؛ یعنی بین مؤلفه‌های حساسیت به طرد شامل میزان اضطراب و میزان دریافت پاسخ مثبت با تکانشوری همبستگی مثبت وجود دارد. این نتایج با نتایج تحقیقات کوهن (۱۹۹۶)، تونگ و کامبل (۲۰۰۳) و نریمانی، یوسفی و کاظمی (۱۳۹۳) که نشان دادند بین بی‌احترامی و طرد اجتماعی با پرخاشگری رابطه مثبتی وجود دارد تا حدودی نزدیک است. همچنین با نتایج تحقیقات وارپورتون، ویلیامز و کیمز (۲۰۰۶) مبنی بر رابطه مثبت بین پرخاشگری و طرد شدن از طرف دیگران و همچنین تحقیقات آمبردوبونو و مارک موراون (۲۰۱۴) که نشان دادند ادراک طرد انسان را به طرف پرخاشگری نیز سوق می‌دهد نیز تا حدودی همسو است. در تفسیر نتایج به‌دست آمده از رابطه حساسیت به طرد و تکانشوری می‌توان بیان کرد افرادی که حساسیت به طرد بالا دارند یعنی نگران از جدا شدن افراد در زندگی‌شان هستند و همواره اضطراب دارند که دیگران آن‌ها را در روابط اجتماعی و عاطفی طرد کنند میزان تکانشوری بالاتر دارند و معمولاً در انجام کارهای خود و گرفتن تصمیمات برای آینده بیشتر به صورت تکانه‌ای عمل می‌کنند؛ پس هرچه میزان اضطراب افراد در روابط خود با دیگران بیشتر باشد این افراد در انجام اعمال خود و برنامه‌ریزی کردن رفتارهای خود بیشتر به صورت تکانشی عمل می‌کنند.

در نتیجه گیری کلی از این تحقیق می‌توان گفت که تکانشوری با سبک‌های فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه و مؤلفه‌های حساسیت به طرد رابطه مثبت ولی با سبک فرزندپروری مقتدرانه رابطه منفی دارد.

در نهایت باید خاطر نشان کرد که این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دوره دبیرستان انجام گرفت و تعمیم نتایج این تحقیق به گروه‌های دیگر در جامعه و همچنین جامعه عمومی باید با احتیاط انجام شود. همچنین از محدودیت‌های دیگر این پژوهش استفاده از پرسشنامه برای آگاهی از سبک‌های فرزندپروری والدین بود که اگر با والدین در این مورد مصاحبه می‌شد، شاید نتایج متفاوتی به‌دست می‌آمد. به مدارس پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های بالینی که در مدرسه و

اداره آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان تکانشی در نظر گرفته می‌شود، علاوه بر توجه به زمینه‌های ژنتیکی و پزشکی باید به نقش عوامل محیطی مانند شیوه‌های تربیت والدین، ارتباط بین دبیران با دانش‌آموزان و همچنین ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر توجه ویژه شود. همچنین پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های بعدی نقش عوامل شخصیتی، عوامل خانوادگی، عوامل هیجانی، سبک‌های دلبستگی و سایر عوامل روان‌شناختی نیز در نظر گرفته شود تا با دیدی چندبعدی به رفتارهای تکانشی در دانش‌آموزان نگریسته شود و برنامه‌های منظم و مدون برای پیشگیری، کاهش و رفع این رفتارها در نظر گرفته شود.

منابع

- آهنگر انزایی، احد؛ شریفی درآمدی، پرویز و فرج‌زاده، رباب (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین با پرخاشگری نوجوانان شهرستان شبستر. *پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۱۱(۱)، ۳۲-۲۳.
- بشارت، محمدعلی؛ قهرمانی، محمدحسین و احمدی، منصور (۱۳۹۲). ویژگی‌های تکانش‌گری ورزشکاران رشته‌های برخوردی و غیربرخوردی. *پژوهش در مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی*، ۳(۵)، ۲۳-۱۳.
- بشروپور، سجاد (۱۳۹۴). *صفات شخصیت*. تهران: نشر ساوالان.
- خوشکام، سمیرا؛ بهرامی، فاطمه؛ رحمت‌الهی، فرحناز و نجارپوریان، سمانه. (۱۳۹۳). *خصوصیات روانسنجی پرسشنامه حساسیت به طرد در دانشجویان*. *پژوهش‌های روانشناختی*، ۱۷(۱)، ۴۴-۲۴.
- زندن (۲۰۰۴). *روانشناسی رشد*. ترجمه‌ی حمزه گنجی (۱۳۹۳). تهران: انتشارات ساوالان.
- مقصودی، سوده؛ درویشی، سعیده و امیرآبادی، مریم (۱۳۹۳). رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و اختلالات رفتاری در دانش‌آموزان مقطع دوم و سوم دبیرستان؛ (مورد مطالعه: مدارس کاردانش شهر بیرجند). *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۳۴، ۴۴-۲۵.
- نریمانی، محمد (۱۳۹۱). اثر بخشی آموزش کنترل تکانه بر پردازش هیجانی، تکانشوری و حواس پرتی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال ریاضی. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۲(۲)، ۱۲۲-۱۰۱.
- نریمانی، محمد؛ یوسفی، فاطمه و کاظمی، رضا (۱۳۹۳). نقش سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی در

پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان مبتلا به ناتوانی‌های یادگیری. *مجله ناتوانی‌های یادگیری*، ۳(۴)، ۱۴۲-۱۲۴.

نوابخش، مهرداد و فتیحی، سروش (۱۳۹۰). شیوه‌های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان. *پژوهش دینی*، ۲۲، ۶۴-۳۳.

- Ahangarezabi, A., Sharifi Daramadi, P., & Farajzadeh, R. (2011). The relationship between styles parent of parenting and violence and aggression in adolescents. *Research in Cognitive and Behavioral Sciences*, 1(1), 23-32. (Persian)
- Amber, D., & Mark, M. (2014). Rejection perceptions: feeling disrespected leads to greater aggression than feeling disliked. *Journal of Experimental Social Psychology*, 55, 43-52.
- Argys, L. M., & Ress, D. I. (2006). Birthorder and risky adolescent behavior. *Economic Inquiry*, 215-233.
- Ayduk, O., Downey, G., & Kim, M. (2001). Rejection sensitivity and depressive symptoms in women. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 868-877.
- Barikani, A. (2008). The risky behavior of adolescents in junior and high schools in Tehran. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(2), 192-198. (Persian)
- Barrat, E. S. (1981). Time perception, cortical evoked potentials and impulsiveness among three groups of adolescents. In J. K. Hays, T. K. Roberts, & K. S. Solway (Eds.), *Violence and the violent individual* (pp. 87-95). New York: Spectrum Publications.
- Barratt, E., Stanford, M. S., Kent, T. A., & Felthous, A. (1997). Neuropsychological and cognitive psychophysiological substrates of impulsive aggressions. *Society of Biological Psychiatry*, 41, 1045-1051.
- Basharpoor, S. (2014). *Personality traits*. First edition. Tehran. Publications Savalan. (Persian)
- Berenson, K. R., Gregory, W. E., Glaser, E., Romirowsky, A., Rafaeli, E., Yang, X., & Downey, G. (2016). Impulsivity, rejection sensitivity, and reactions to stressors in borderline personality disorder. *Cognitive Therapy and Research*, 40(4), 510-521.
- Berge, J., Sundel, K., Öjehagen, A., & Håkansson, A. (2016). Role of parenting styles in adolescent substance use: results from a Swedish longitudinal cohort study. *BMJ Open*, 6:1 doi: 10.1136/bmjopen-2015-008979.
- Besharat, M., Qahramani, M. H., & Ahmadi, N. (2013). Impulsivity characteristics of athletes in the field of contact and non-contact collision. *Journal of Research in Sport Management and Motor Behavior*. 3(5), 121-132. (Persian)
- Cohen, D., Nisbett, R. E., Bowdle, B. F., & Schwarz, N. (1996). Insult, aggression, and the southern culture of honor: An experimental ethnography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 945-960.
- Cyder, M., & Smith, G. (2008). Emotion-based dispositions to rash action: positive and negative urgency. *Psychological Bulletin*, 807-828.
- Downey, G., Feldman, S., & Ayduk, O. (2000). Rejection sensitivity and male violence in romantic relationships. *Personal Relationships*, 7, 45-61.

- Feeney, J. A. (2005). Attachment and perceived rejection: Findings from studies of hurt feelings and the adoption experience. *Journal of Applied Psychology: Social Section*, 1, 41-49.
- Franken, I. H. A., Van Strien, J.W., Nijs, I., & Muris, P. (2008). Impulsivity is associated With behavioral decision-making deficits. *Pschiatry Research*, 158, 155-163.
- Jimenez Barbero, J. A., Ruiz-Hernández, J. A., Llor-Esteban, B., & Waschgler, K. (2016), Influence of attitudes, impulsivity, and parental styles in adolescents' externalizing behavior. *Journal of Health Psychology*, 21(1), 122-131.
- Khoshkam, S., Bahrani, F., Rahmatollahi, F., & Najarpoooryan, S. (2014). Psychometric properties of the RSQ. *Psychological Research*, 17(1), 13-28. (Persian)
- Lee, A., & Tsang, C. K. (2004). Youth risk behavior in a Chinese population: A territory-wide youthrisk behavioral surveillance in Hong Kong. *Public Health*; 118(2), 88-95.
- Maqsoodi, S., Darvishi, S., & Amirabadi, M. (2015). The relationship between parenting styles parent and behavioral disorders among high school students. *Journal of Cultural - Social Studies Khorasan*. 9(34), 32-51. (Persian)
- Melanco, S., Leraas, K., Collins, C., Fields, S., & Reynolds, B. (2009). Characteristics of psychopathy in adolescent nonsmoker and smokers: relations to delay discounting and self reported impulsivity. *Ex Perimental and Clinical Psychopharmacology*, 17, 258-265.
- Moilanen, K. L., Rasmussen, K. E., & Padilla-walker, L. M. (2015), Bidirectional Associations Between Self-Regulation and Parenting Styles in Early Adolescence; 25(2), 246-262.
- Narimani, M. (2013). The effectiveness of impulse control training on emotional processing, impulsivity and distractibility of students with dyscalculia. *Journal of Learning Disabilities*, 2(2), 101-122. (Persian)
- Narimani, M., Yosefi, F., & Kazemi, R. (2014). The role of attachment styles and quality of life in predicting psychological well-being in adolescents with learning disabilities. *Journal of Learning Disabilities*, 3(4), 124-142. (Persian)
- Navaabakhsh, M., & Fathi, S. (2011). Methods of child training and social adaptation. *Journal of Religious Research*; (22), 33-64. (Persian)
- Neto, R. D.C. A., & True, M. (2011).The development and treatment of impulsivity. Psico, Porto Alegre, *PUCRS*, 42(1), 134-141.
- Petry, N. M. (2001). Substance abuse, pathological gambling, and impulsiveness. *Drugand Alcohol Dependency*, 63, 29-38.
- Rahmani, F., Seyedfatemi, N., Baradaranrezayi, M., Sedaghat, K., & Fathiazar, A. (2006). Therelationship between the parents disciplinary methods behavioral problems level. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 14(4), 365-370. (Persian)
- Sariaslan, A., Larsson, H., & Fazel, S. (2015). Genetic and environmental determinants of violence risk in psychotic disorders: a multivariate quantitative genetic study of 1.8 million Swedish twins and siblings. *Mol. Psychiatry* (December) doi: <http://dx.doi.org/10.1038/mp.184> (advance online publication).

- Shekari, N., Yoosefi, M., Safaeirad, E., Akbari, T., Mosavi, M., & Nazari, H. (2015). Correlation risk behaviors among adolescent students with styles parent of parenting. *Health Promotion Management*, 5(1), 73-82. (Persian)
- Stanford, M.S., & Barratt, E.S. (2009). Impulsivity and the multiimpulsive personality disorder. *Personality and Individual Differences*, 13(4), 831-834.
- Swann, A. C., & Hollander, E. (2002). Impulsivity and aggression: Diagnostic challenges for the clinician, A monograph for continuing medical education credit. New York: Oxford Press.
- Twenge, J. M., & Campbell, W. K. (2003). Isn't it fun to get the respect that we're going to deserve? Narcissism, social rejection and aggression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 29, 261-272.
- Warburton, W. A., Williams, K. D., & Cairns, D. R. (2006). When ostracism leads to aggression: The moderating effects of control deprivation. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42, 213-220.
- Weeks, A. A. (2011). The harsh sting of rejection: Rejection sensitivity, attachment styles, autobiographical memory, and why some feel the sting more than others. Unpublished bachelor thesis, Connecticut College, New London, Connecticut.
- Winestanley, C., Eagle, D., & Robbins, T. (2006). Behavioral models of impulsivity in relation to ADHA: translation between clinical and preclinical studies. *Clinical Psychology Review*, 26(4), 379-395.
- Zanden, J. (2004). Developmental Psychology. Translated by ganji hamzeh. (2014). Tehran. Publications Savalan. (Persian)
- Zimmer-Gembeck, M. J., Pronk, R. E., Goodwin, B., Mastro, S., & Crick, N. R. (2013). Connected and isolated victims of relational aggression: associations with peer group status and differences between girls and boys. *Sex Roles*, 68, 363-377.

Keywords: Brain-based learning, math anxiety, academic performance in math, female students

The role of parenting styles and rejection sensitivity in predicting students' impulsivity

S. Basharpour¹, J. Drodi² & F. Heidari³

Abstract

Impulsivity is the core of many mental disorders and social problems and developmental approaches recommend that family and school factors play a role in the creation and continuation of impulsivity. The aim of the present study was to investigate the role of parenting styles and rejection sensitivity in predicting impulsivity among high school students. The method of study was correlational and the sample consisted of 154 high school students of Kamyaran city selected by cluster sampling in 2015. To collect data, the questionnaires of the perceived parenting style, the rejection sensitivity and the impulsivity were used and the collected data were analyzed using the Pearson correlation and multiple regression analysis. The results indicated that impulsivity has positive correlation with authoritarian parenting styles, permissive parenting style and the rejection sensitivity, but it has negative correlation with authoritative parenting style ($p < 0.001$). The results also showed that parenting styles can predict the children's impulsivity.

Keywords: Parenting style, rejection sensitivity, impulsivity, adolescents

1 . Professor, Department of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili

2 . **Corresponding author:** MA of Clinical Psychology, University of Mohaghegh Ardabili (javaddrodi89@gmail.com)

3 . Ph.D student of Psychology, University of Mohaghegh Ardabili